

Obstacles to the Formation of the Persian Gulf Regional Security System in the Light of a Semantic Approach to Security

Farzad Rostami*

Assistant Professor Razi University, f.rostami1361@gmail.com

Mokhtar Zibae

Master Student of International Relations, Razi University, m.zibae1400@gmail.com

Zanire Nasri

Master Student of International Relations, Razi University, zanirenasri@gmail.com

Abstract

Objective: The purpose of the research is to examine the obstacles to sustainable security in the Persian Gulf in the light of the constructivist view of security; In this way, in addition to identifying the approaches and views towards the security of each of the countries in the region, it is possible to identify the numerous leading security obstacles and take action to deal with and eliminate these obstacles.

Method: The method used is descriptive-analytical, which seeks to answer the question of what factors have prevented the formation of a regional security system in the Persian Gulf by applying structural theory and using library and Internet documents.

Findings: The findings of the research show that geographical and economic characteristics have globalized the security in the Persian Gulf and the existence of a heterogeneous set of security with different actors, as well as a one-dimensional view of security, leads to ignoring the obstacles to the security of the region, including self-help and the lack of a common security strategy, deepening Distrust and reduction of cooperation, security formulas and different attitudes, decline of traditional hegemony and multi-polarity, mental and psychological barriers to convergence and collective security system, changing patterns of friendship-enmity, environmental and geopolitical challenges, stabilization of Israel's presence, fragile economy, crisis Democracy, cultural and social heterogeneity, decline of traditional hegemony and multi-polarity and continuity have become weapons in the arms race.

Conclusion: Based on the results obtained from the research, the complexity and instability of the security regime in the Persian Gulf is mostly the result of different approaches and perceptions of regional actors' security, and despite the severity of the crisis and the seriousness of its effects, the existence of factors such as changing the role of actors such as Iraq and Qatar from The factor of insecurity is the mediator, the independence in decision-making of countries and the reduction of the role of oil in the global energy basket, with the serious participation and homogeneous strategy of countries to overcome the non-peaceful coexistence and lack of active interaction, and as a result, stable security and overcoming the security obstacles are available.

Keywords: Persian Gulf, Regional Actors, Constructivism, Sustainable Security.

Article type: Research

* Received on 22 March, 2022 Accepted on 28 October, 2022

Cite this article: Rostami, Zibae & Nasri (2023) Obstacles to the Formation of the Persian Gulf Regional Security System in the Light of a Semantic Approach to Security, Political Studies of Islamic World, Fall 2023, Vol.12, NO.3, 33-58.

DOI: 10.30479/psiw.2024.17050.3096

© The Author(s).



Publisher: Imam Khomeini International University.

Corresponding Author: Farzad Rostami

E-mail: f.rostami1361@gmail.com

موانع فراروی شکل‌گیری نظام امنیت منطقه‌ای خلیج فارس در پرتوی رویکرد مناکرایانه به امنیت

فرزاد رستمی*

استادیار دانشگاه رازی f.rostami1361@gmail.com

مختار زیبایی

دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه رازی m.zibae1400@gmail.com

زنبیره نصری

دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه رازی zanirenasri@gmail.com

چکیده

هدف: هدف پژوهش بررسی موانع فراروی امنیت پایدار در خلیج فارس در پرتو نگاه سازه‌نگارانه به امنیت می‌باشد تا از این طریق بتوان علاوه بر شناسایی رویکردها و نگاه‌ها به امنیت هر کدام از کشورهای منطقه، موانع متعدد امنیتی پیشرو را شناسایی و در جهت مقابله و رفع این موانع اقدام کرد.
روش: روش مورد استفاده توصیفی-تحلیلی است که با کاربرد نظریه سازه‌نگاری و با استفاده از اسناد کتابخانه‌ای و اینترنتی در پی پاسخ به این سؤال است که چه عواملی مانع از شکل‌گیری یک نظام امنیت منطقه‌ای در خلیج فارس شده است؟

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد ویژگی‌های جغرافیایی و اقتصادی، امنیت در خلیج فارس را جهانی کرده و وجود یک مجموعه ناهمگون امنیتی با بازیگران مختلف و همچنین نگاه تک‌بعدی به امنیت، موجب نادیده گرفتن موانع فراروی امنیت منطقه از جمله خودیاری و عدم وجود استراتژی امنیتی مشترک، تعمیق بی‌اعتمادی و کاهش همکاری‌ها، فرمول‌های امنیتی و نگرش‌های متفاوت، زوال هژمونی سنتی و تعدد قطبیت، موانع ذهنی و روانی همگرایی و نظام امنیت دسته جمعی، تغییر الگوهای دوستی-دشمنی، چالش‌های زیست محیطی و ژئوپلیتیکی، تثبیت حضور اسرائیل، اقتصاد شکننده، بحران دموکراسی، ناهمگونی‌های فرهنگی و اجتماعی، زوال هژمونی سنتی و تعدد قطبیت و تداوم در مسابقه تسلیحاتی شده است.

نتیجه‌گیری: براساس نتایج تحقیق، پیچیدگی و ناپایداری رژیم امنیتی در خلیج فارس، بیشتر در نتیجه رویکردها و برداشت‌های متفاوت از امنیت بازیگران منطقه‌ای بوده و با وجود شدت بحران و جدی بودن اثرات آن، وجود عواملی مانند تغییر نقش بازیگرانی مانند عراق و قطر از عامل ناامنی به میانجی‌گر، استقلال در تصمیم‌گیری کشورها و کاهش نقش نفت در سبد انرژی جهانی، با مشارکت جدی و استراتژی همگون کشورها برای غلبه بر همزیستی غیرصلح‌آمیز و عدم تعامل فعال و در نتیجه امنیت پایدار و غلبه بر موانع امنیتی فراروی در دسترس است.

واژگان کلیدی: خلیج فارس، بازیگران منطقه‌ای، سازه‌نگاری، امنیت پایدار.

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱/۲ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۸/۶
استناد: رستمی، زیبایی و نصری (۱۴۰۲)، موانع فراروی شکل‌گیری نظام امنیت منطقه‌ای خلیج فارس در پرتوی رویکرد

مناکرایانه به امنیت، پاییز ۱۴۰۲، دوره ۱۲، شماره ۳، پیاپی ۴۷: ۳۳-۵۸



ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) حق مؤلف ©

۱- مقدمه

موقعیت راهبردی خلیج فارس که به سبب ویژگی‌های ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی و ژئواکونومیکی منحصر به فرد حاصل شده، بیشتر از آنکه به عنوان عاملی مثبت در جهت بهره‌برداری و توسعه کشورهای منطقه باشد، همواره و در طول تاریخ موجب حضور و نفوذ کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای جهت بهره‌برداری از موقعیت ممتاز و متمایز این نقطه و علاوه بر آن باعث شده است که کشورها و بازیگرانی که در این منطقه هستند با انواع تهدیدها و تنش‌های داخلی و خارجی روبه‌رو شوند. موقعیت راهبردی که این نقطه را به کانون بحران و تعارض دول داخلی و قدرت‌های خارجی تبدیل کرده و علاوه بر موجب شدن هر نوع اختلاف قابل‌تصور، آن را به یکی از واگراترین مناطق جهان تبدیل کرده و باعث شده است تا این نقطه علاوه بر آنکه همیشه مطمع نظر قدرت‌های جهان باشد در طول تاریخ همواره مورد تاخت و تاز آنان نیز قرار گیرد. موضوعی که موجب تلاش این بازیگران برای تسلط و کنترل هر چه بیشتر بر منطقه برای دستیابی به اهداف و سیاست‌های توسعه‌طلبانه خود شده است. امری که علاوه بر گردش بحران در این نقطه و فراهم کردن موجبات موقعیت‌آناشی در خلیج فارس، تنش میان دولت‌های منطقه را موجب شده و تشکیل یک نظام امنیت منطقه‌ای پایدار را با چالش جدی مواجه ساخته است؛ به طوری که کشورهای مورد نظر بخش قابل توجهی از هزینه‌های خود را صرف مسائل امنیتی و دفاعی می‌کنند. بنابراین خلیج فارس را می‌توان یک محیط امنیت‌زا تلقی کرد که همواره در طول تاریخ به سبب پاره‌ای از موانع امنیتی و وجود بازیگرانی امنیتی‌ساز، شاهد عدم وجود یک نظام امنیت پایدار در منطقه است. ناامنی که بیش از آنکه معلول دخالت‌های عوامل خارجی باشد، کشورهای منطقه در تشدید و تداوم این معضل سهیم بوده و به جای بررسی دلایل این اختلافات و ترمیم ریشه‌های آن، با بهره‌گیری از نیروهای نیابتی درون منطقه‌ای و همچنین استفاده از حمایت قدرت‌های برون منطقه‌ای در پی مقاصد خود بوده‌اند. موضوعی که علاوه بر ایجاد مسائل و مشکلات متعددی منطقه‌ای، باعث تیرگی روابط بین کشورهای خلیج فارس و تغییر الگوی دوستی و دشمنی میان بازیگران این منطقه شده و هر کدام از این مسائل و مشکلات که کانون بحران و تنش هستند، مسائل امنیتی زیادی را موجب شده و حضور و نفوذ کشورهای خارجی را در منطقه تثبیت کرده است.

با توجه به اینکه شناسایی موانع شکل‌دهنده به یک امنیت پایدار در منطقه به جهت ویژگی‌های استراتژیک این نقطه به دغدغه‌ای با ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل شده، این مقاله با هدف شناسایی و بررسی موانع فرارو و ذکر پیشنهادهای جهت فروکاستن از این موانع و تهدیدات، برآمده است. در این راستا پژوهش انجام شده با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی در صدد پاسخ به این سوال است که چه عواملی مانع از شکل‌گیری یک نظام امنیت منطقه‌ای در خلیج فارس شده است؟ برای پاسخ به سوال فوق با بهره‌گیری از

نظریه سازه‌انگاری و با توجه به رویکردها و نگرش‌های هریک از بازیگران مهم منطقه، این فرضیه مطرح شده است که مسائلی از جمله خودیاری و عدم وجود استراتژی امنیتی مشترک، تعمیق بی‌اعتمادی و کاهش همکاری‌ها، فرمول‌ها و نگرش‌های متفاوت امنیتی، زوال هژمونی سنتی و تعدد قطبیت، موانع ذهنی و روانی همگرایی و نظام امنیت دسته جمعی، تغییر الگوهای دوستی-دشمنی، چالش‌های زیست محیطی و ژئوپلیتیکی، تثبیت حضور اسرائیل، اقتصاد شکننده، بحران دموکراسی، ناهمگونی‌های فرهنگی و اجتماعی، زوال هژمونی سنتی و تعدد قطبیت و تداوم در مسابقه تسلیحاتی از مهمترین موانع پیش‌رو هستند. بنابراین تعدد موانع امنیتی مضاف بر انگاره‌های متضاد نسبت به تأمین امنیت، خلیج فارس را همواره با معمای امنیت و نگاه‌های بی‌پایه به این مقوله تبدیل کرده است. برای پاسخ به سوال ذکر شده، این پژوهش موانع متعدد فراروی امنیت در منطقه را در چارچوب نظریه و فرضیه مذکور بررسی و در پایان ضمن بیان نتیجه‌گیری مقاله به ارائه راهکارهایی جهت غلبه بر این چالش و در نتیجه رسیدن به یک امنیت پایدار می‌پردازد.

۲- پیشینه تحقیق

وه‌ری و سوکولسکی (۲۰۱۵) در مقاله‌ای با عنوان «تصور یک دستور امنیتی جدید در خلیج فارس» در بنیاد کارنگی، ضمن اشاره به اختلاف نظر ایران و اعراب نسبت به رژیم امنیت منطقه ای در خلیج فارس با مفید دانستن توافق هسته‌ای ایران جهت رفع اولیه اختلاف نظرها میان کشورهای منطقه و تأکید بر نقش آمریکا جهت کمک به امنیت پایدار خلیج فارس، ادغام ایران در ساختار منطقه، احاله مسئولیت امنیت به خود کشورهای منطقه و کمک به ایجاد الگوی همکاری جمعی مانند اتحادیه اروپا و آ-سه-آن را توسط این کشورها ضروری دانسته و همچنین به آنان، سیستم دفاع جمعی، رژیم امنیت منطقه‌ای همه شمول و گفتگوی غیررسمی اما سازمان یافته برای حل اولیه اختلافات را توصیه می‌کند.

پولاک (۲۰۱۲) در مقاله‌ای با عنوان «امنیت خلیج فارس: چارچوبی جدید برای قرن بیست و یکم» در اندیشکده بروکینگز، ضمن معرفی ایران هسته‌ای و عراق ناپایدار با آینده‌ای نامعلوم در سایه قدرتمند شدن گروه‌های حامی ایران به عنوان عوامل ناامنی منطقه، گسترش شورای همکاری خلیج فارس با کشورهای منطقه‌ای مانند ترکیه و اردن و همچنین فرامنطقه‌ای مانند آمریکا، چین، روسیه و هند و تبدیل این شورا از اتحادی غیررسمی به رسمی و همچنین الگو گرفتن از سازمان‌هایی مانند آ-سه-آن و سازمان امنیت و همکاری اروپا را بررسی می‌کند. این مقاله نتیجه‌گیری می‌کند که جهت تأمین امنیت پایدار در این حوزه، ضمن توجه به دیدگاه‌های داخلی کشورهای منطقه، الگو گرفتن از شورای همکاری و امنیت اروپا با دعوت از قدرت‌های بزرگ و به نوعی تشکیل ناتوی عربی برای تشکیل یک رژیم امنیت پایدار در خلیج فارس مورد نیاز است.

سهیلی نجف‌آبادی و همکاران (۱۳۹۸). در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تاثیر سیاست‌های نظامی بر امنیت منطقه خلیج فارس»، با توجه به عنوان پژوهش و با استفاده از نظریات رئالیستی، رقابت‌های نظامی میان کشورهای منطقه برای تفوق قدرت بر دیگران را مانع از ایجاد همکاری برای برقراری امنیت منطقه‌ای پایدار بیان می‌کند.

بررسی پیشینه پژوهشی پیرامون مقاله حاضر نشان می‌دهد اکثریت تحقیقات صورت گرفته علاوه بر بررسی این موضوع با نظریات متفاوت از آنچه اکنون انجام شده است بر عوامل نامن کننده خلیج فارس در زمان حال و بدون توجه به تهدیدات پیش‌رو بوده و بیشتر آنها بر قدرت و از نوع نظامی آن به عنوان عامل برهم‌زننده امنیت منطقه متمرکز شده‌اند در حالی که این پژوهش علاوه بر بهره‌گیری از نظریه‌ای نوین در این زمینه و بررسی جزئی‌نگرش‌های امنیتی هر کدام از کشورهای منطقه، تهدیدات فرارو و ابعاد مختلف امنیتی خلیج فارس را مورد بررسی قرار داده است.

۳- چارچوب نظری: امنیت سازه‌انگاران

رویکرد سازه‌انگاران یا معناگرایانه به امنیت است که ریشه‌های آن در جامعه‌شناسی، حداقل به مکتب شیکاگو و پدیدارشناسی برمی‌گردد بر «ساخت اجتماعی واقعیت» تأکید می‌کند. مطالعات امنیتی سازه‌انگاران غالباً مربوط به نویسندگان و متفکرانی چون «الکساندر ونت»^۱، «مایکل بارنت»^۲، «پیتر کاتزنشتاین»^۳ و «امانوئل آدلر»^۴ است. این مطالعات بر دو فرضیه عمده بنا شده است: اول آنکه ساختارهای اساسی سیاست بین‌الملل ساخته و پرداخته ساختارهای اجتماعی است، دوم آنکه تفکر در خصوص روابط بین‌الملل می‌تواند منجر به تغییر وضعیت امنیت بین‌الملل و بهبود آن گردد (داودی، ۱۳۹۱: ۳۱). از این منظر تصمیم‌گیرندگان بر اساس هنجارها و قواعد، که خود مبتنی بر پیشینه‌ای از عوامل ذهنی، تجربه تاریخی- فرهنگی، امنیت و حضور آنها در نهادهاست، تصمیم‌گیری می‌کنند (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۱۱). سازه‌انگاران سرچشمه ناامنی و امنیت را در نحوه تفکر بازیگران نسبت به پدیده‌ها و موضوعات، خصوصاً منافع و تهدیدات می‌دانند و معتقدند هراندازه ادراکات و منطق متقابل بازیگران نسبت به پدیده‌ها و موضوعات، نامتجانس‌تر و متناقض‌تر باشد، بی‌اعتمادی میان آنان افزایش بیشتری می‌یابد و دولت‌ها بیشتر به سوی خودیاری و خودمحوری حرکت می‌نمایند اما چنانچه بتوان ساختاری از دانش مشترک ایجاد نمود، آنگاه می‌توانیم کشورها را به سوی جامعه امنیتی صلح‌آمیزتری رهنمون نماییم (حصن، انوشه، عمرانی، ۱۳۹۵: ۹۵). سازه‌انگاران معتقد هستند هنجارها، بازیگران و واکنش

1. Alexander Went
2. Mikael Barnett
3. Peter Katzenstein
4. Emmanuel Adler

های معنادار را از طریق قرار دادن آنها در نقش‌ها و محیط‌های اجتماعی به وجود می‌آورند. علاوه بر این هنجارها از طریق تعریف آنچه مناسب است (مقررات اجتماعی معین) و آنچه مؤثر است (قوانین معین علم) کنش‌ها را تنظیم می‌نماید. در این چارچوب سازه‌انگاران به بررسی ساختار اجتماعی کنش می‌پردازند و به دنبال آن هستند که هنجارها در شرایط مختلف زمانی و مکانی چگونه عمل می‌نمایند به گونه‌ای که برخی از اعمال را امکان‌پذیر و برخی دیگر را ناممکن می‌سازند. آنان به نقش هویت در شکل‌گیری کنش اهمیت بسیاری می‌دهند و معتقدند، هویت‌ها در نوع، شکل و میزان موفقیت کنش‌ها ایفای نقش می‌نمایند (اشلقی، فرخی، ۱۳۸۸: ۸۵). در واقع این هویت‌ها هستند که به ملت‌ها اجازه می‌دهند که جهان را معنادار کرده و به تقسیم‌بندی موجودیت‌های دیگر اقدام نمایند و واقعیتی سلسله‌مراتبی بسازند که بر اساس تعریف و شناختی از خود، دگری، دوست و دشمن تعریف شده است که شدت و ضعف این دوستی و دشمنی‌ها نیز بر پایه تصورات هر کشور مبتنی است (محسنی، ۱۳۹۹: ۲۶). سازه‌انگاران همچنین معتقدند، آنچه بازیگران و بازی را در سیاست جهانی شکل می‌دهد ایده‌ها هستند و ایده‌هایی که هنجاری شده باشد نه تنها بازیگران را محدود می‌نماید بلکه بازیگران را به وجود آورده و واکنش را امکان‌پذیر می‌نماید؛ مثلاً قوانین بین‌المللی نه تنها اقدام مشروع دولت‌ها را تعریف می‌کند، بلکه به دولت‌ها مشروعیت می‌بخشد و به آنها امکان می‌دهد تا به طریقی رفتار کنند که برای دیگر بازیگران بین‌المللی معنادار باشند. آنها همچنین معتقد هستند هنجارها، صرفاً ایده‌هایی نیستند که در ذهن ما وجود دارند، بلکه عقاید مشترکی هستند که در دنیای واقعی و در معنایی که آنها به چیزهای مادی می‌دهند و رویه‌هایی که ایجاد می‌نمایند نیز وجود دارند. در واقع سازه‌انگاران امیدوارند با وارد کردن ساختارها، بازیگران، هویت، منافع و اندیشه‌ها در عرصه بازی بتوانند تغییرات مهم ایجاد شده در الگوی رفتاری را تشریح نمایند حتی زمانی که توزیع همچنان دست نخورده و بدون تغییر باقی مانده باشد (اشلقی، فرخی، ۱۳۸۸: ۸۵). بنابراین از دیدگاه آنان تنگنا یا معضل امنیت که موجب ناامنی می‌شود، ناشی از ساختار اجتماعی بین‌المللی است که در آن کشورها بر اساس باورهای ذهنی خود به قدری نسبت به یکدیگر بی‌اعتماد هستند که در خصوص مقاصد یکدیگر بدترین فرض‌ها را در نظر می‌گیرند و این امر موجب می‌شود تا تصمیمات، سیاست خارجی و منافع ملی خود را در قالب فرهنگ خودیاری تعریف نمایند (عباسی اشلقی، ۱۳۸۳: ۵۴۴). بنابراین مهمترین گزاره‌های این مکتب عبارتند از:

۱. امنیت بیش از آنکه بر عوامل مادی قدرت متکی باشد، بر فهم و درک مشترک بازیگران از یکدیگر متکی است.
۲. هرچه ادراکات و منطق بازیگران در خصوص پدیده‌ها و موضوعات متفاوت‌تر باشد، خودمحوری و خوداتکایی بیشتر می‌شود.

۳. هر قدر به سوی ساختار دانش مشترک نزدیک‌تر شویم به جامعه امنیتی صلح‌آمیزتر نزدیک شده‌ایم.

۴. گفتمان امنیتی متشکل از ایده‌ها، هنجارها و هویت است.

۵. رفتار دولت‌ها تابع آن چیزی است که فکر می‌کنند و تشخیص می‌دهند، نه آنچه قدرت انجام آن را دارند.

۶. امنیت و ناامنی از نحوه تفکر درباره منافع و تهدیدات سرچشمه می‌گیرد.

۷. امنیت، با اعتماد و همکاری به دست می‌آید، نه موازنه قوا و بازدارندگی.

۸- کارگزاران و ساختار بطور متقابل به همدیگر قوام می‌بخشند.

۹- ساختارها به رفتار کنش‌گران اجتماعی-سیاسی اعم از افراد یا دولت‌ها شکل می‌دهند.

۱۰- تغییر الگوی دوستی-دشمنی (رستمی، صالح ایومن، کریمان هایبیلی، ۱۳۹۵: ۱۹۹).

با توجه به آنچه آمد کشورهای خلیج فارس با وجود موانع و چالش‌های داخلی و بین‌المللی و تصورات امنیتی هر یک نسبت به دیگری در قالب دوست و دشمن نمی‌توانند در راستای یک نظم نوین امنیتی و همگرایی و همکاری در راستای اهداف منطقه‌ای و بین‌المللی حرکت نمایند؛ مگر اینکه برداشت خود را از امنیت اصلاح و به سمت اعتماد سازی روی آورند؛ چرا که سازه‌انگاران به مساله اطمینان، اعتماد و همکاری برای تحصیل امنیت تأکید دارند که این تحصیل امنیت نیز ناشی از اعتقاد آنان به بستر اجتماعی امنیت می‌باشد.

۴- نظام امنیت منطقه‌ای خلیج فارس؛ مروری تاریخی

امنیت شکننده خلیج فارس در طول تاریخ، ورای مباحث قومی و مذهبی و همچنین حضور تاریخی استعمارگران فرامنطقه‌ای، با پیدایش نفت گره خورده است؛ چرا که نفت نیرو محرکه اصلی منافع خارجی، توازن قدرت منطقه‌ای و همچنین درگیری‌های سرزمینی در خلیج فارس بوده است (Le Billon & El Khatib, 2004: 109).

۴-۱. از پیدایش نفت در خلیج فارس تا وقوع انقلاب اسلامی ایران

همانگونه که عنوان شد پیدایش نفت، امنیت منطقه را با چالشی نوین و طولانی مواجه کرد. چرا که با شروع درآمدهای نفتی همراه با حمایت بریتانیا، منجر به سبک حکومتی کمتر مشورتی و مستبدانه حاکمان محلی شده و وحدت تاریخی خلیج فارس که با سهولت مشخص می‌شد از بین رفته و جامعه جهان وطنی که زمانی کلید موفقیت آن بود، اکنون تحت‌الشعاع انحصار قومی قرار گرفت (Potter, 2017:5) از خصوصیات امنیتی این دوره می‌توان به پیمان کویبسی^۱، دکترین دوستوئی^۲، جنگ اعراب و اسرائیل و محوریت آمریکا پس از افول هژمونی انگلستان در منطقه

1. Quincy Treaty

2. Doctrine of Friendship

اشاره داشت. در کنار عناوین اشاره شده از مهم‌ترین رویدادهای این بازه زمانی می‌توان به توازن‌های تعامل منطقه‌ای به صورت قاعده «دو ستونی» به عنوان هسته آموزه نیکسون که بر اساس آن دولت‌های ایران و عربستان ذیل یک استراتژی واحد و در نظم ژئوپلیتیک تک‌قطبی در منطقه خلیج فارس ثبات سیاسی و امنیتی برقرار کرده و در صورت بروز هرگونه بی‌ثباتی، این دو قدرت منطقه‌ای به طور هماهنگ و همگام با هم علیه ریشه‌های بی‌ثباتی اقدام می‌کردند (فرجی راد، هاشمی، ۱۳۹۵: ۲۷۴). دکترینی که تمرکزش تقریباً به طور کامل بر ایجاد متحدان محلی قوی برای تسلط بر منطقه بدون در نظر گرفتن جنبه داخلی امنیت در خلیج فارس بوده و با وقوع انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ در ایران شکست خورد (Ryan Kraig, 2006:2).

۴-۲. از انقلاب ایران تا سال ۲۰۰۱ و حملات ۱۱ سپتامبر

وقوع انقلاب اسلامی در ایران و از طرفی حمله شوروی به افغانستان در سال ۱۹۷۹، به عنوان تهدیدی مستقیم برای تامین منابع نفتی از خلیج فارس، موجب ایجاد تغییرات سخت در سیاست آمریکا در منطقه و طرح دکترین کارتر شد. دکترینی که هدفش قرار دادن ایالات متحده به عنوان بازیگر قالب خارجی بوده و تلاش هر نیروی خارجی برای کنترل خلیج فارس، حمله به منافع حیاتی آمریکا محسوب شده و در صورت لزوم با نیروی نظامی پاسخ داده می‌شود. بنابراین در بازه زمانی مذکور، آمادگی ایالات متحده از تکیه بر قدرت‌های منطقه‌ای به استفاده از نیروی نظامی خود برای دفاع از منابع نفت تغییر کرد. چرا که از نظر این دکترین، ایالات متحده دیگر به متحدان بالقوه ناپایدار تکیه نمی‌کند، بلکه به طور مستقیم از طریق نیروهای خود مداخله می‌کند (Mirhossein & Sandhu Kaur, 2010: 122-133). دکترین و حضور نظامی مستقیمی که با توجه به سیاست‌های برآمده از انقلاب اسلامی ایران مبنی بر امنیت عاری از دخالت بیگانگان در خلیج فارس، ناامنی پایدار را یک بار دیگر به مشخصه اصلی منطقه تبدیل کرد. تشکیل شورای همکاری خلیج فارس در نتیجه تهدید ادعایی انقلاب ایران و همچنین ناامنی حاصل از جنگ هشت ساله ایران و عراق از دیگر رویدادهای امنیتی این دوره می‌باشد.

۴-۳. از حملات ۱۱ سپتامبر به بعد

حملات ۱۱ سپتامبر و حضور آمریکا در منطقه و رویدادهایی مانند اشغال عراق و متعاقب آن تلاش ایران برای بازدارندگی بیشتر و پررنگ شدن مسئله هسته‌ای، در کنار ایجاد اتحادیه‌های منطقه‌ای جدید مانند بلوک مقاومت به رهبری ایران از رویدادهای امنیتی این بازه زمانی می‌باشد. همچنین بهار عربی و نقش منفعل ایالات متحده در قبال هم‌پیمانان در جریان این حادثه، موجب شد با وجود چتر حمایت امنیتی آمریکا برای منطقه، برای جلوگیری از گسترش جنبش‌ها و اصلاحات دموکراتیک و در عین حال تلاش برای رسیدگی به امور خود بدون دخالت بیگانگان از جمله آمریکا، کشورهای حوزه خلیج فارس به شرق به عنوان شریکی جدید نگاه کنند

(Anderson and Yang, 2014:1). علاوه بر موارد فوق در این بازه زمانی می‌توان به توافق برجام بین ایران و قدرت‌های جهانی برای جلوگیری از رقابت‌های هسته‌ای در منطقه، ظهور گروه تروریستی داعش و همچنین صلح اعراب و اسرائیل به عنوان رویدادهای امنیتی قابل تأمل یاد کرد.

۵- رویکرد منطقه‌ای و امنیتی کشورهای خلیج فارس

ساختار به هم پیوسته امنیت در خلیج فارس، باعث شکل‌گیری شبکه‌ای از روابط امنیتی میان کشورهای این منطقه شده است. بر این اساس امنیت این کشورها را نمی‌توان جدا از یکدیگر تصور کرد، به گونه‌ای که هر گونه تغییر و تحول در وضعیت یکی از این کشورها باعث شده موقعیت دیگری نیز تحت تاثیر قرار گیرد (اقارب پرست، ۱۳۹۰: ۲۶۷). موضوعی که بررسی رویکردهای امنیتی هر کدام از کشورهای منطقه را در جهت چرایی موانع شکل‌گیری امنیت پایدار در منطقه و همچنین راهکارهای غلبه بر این موانع الزامی می‌کند.

۵-۱. عربستان

از مهم‌ترین رویکردهای امنیتی سعودی‌ها می‌توان به برتری‌جویی پیرامونی یا تلاش برای تسلط بر محور امنیتی شبه‌جزیره عربی، موازنه سازی منطقه‌ای با تأکید بر ایجاد موازنه در برابر تهدیدات، تأکید بر مرکزگرایی و قرائت وهابی از اسلام و ادعای رهبری جهان اسلام، ائتلاف سازی سازی بین‌المللی به منظور حفظ، تقویت شراکت و همکاری‌های راهبردی با قدرت‌های بزرگ و دموکراسی‌سازی ستیزی با محوریت مقابله با جریان‌ها و نظام‌های مردمی و انقلابی اشاره کرد (اسدی، ۱۳۹۶: ۲۰). به طور کلی نگاه محوری سعودی‌ها در خلیج فارس به لحاظ امنیتی بر تداوم پیوندها و روابط استراتژیک خود با قدرت‌های فرمانطقه‌ای و به ویژه آمریکا در جهت ایجاد توازن در مقابل دو رقیب اصلی منطقه‌ای خود یعنی ایران و عراق است (هاشمی، ۱۳۸۹: ۱۵۰).

۵-۲. ایران

ایران از مهم‌ترین کشورها در ترکیب امنیتی خلیج فارس تلقی می‌شود؛ به طوری که گفته می‌شود اگر ایران را به یک منزل مسکونی تشبیه کنیم، درب ورودی و خروجی آن خلیج فارس می‌باشد. عاملی که موجب شده است ایران معاصر علیرغم تمام ناملایمات ناخوشایند گذشته، نقش خود را در خلیج فارس تقریباً بی‌وقفه و همیشه فعال تصور کرده و سیاست خود از ژاندارم وضع موجود به قدرت تجدید نظرطلب تغییر دهد (Barzegar, 2010: 78). چنانکه پیداست دیدگاه ایران در باره ترتیبات امنیتی در خلیج فارس در مقابل دیدگاه آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن قرار داشته و تلاش‌های دو طرف در جهت خنثی کردن یکدیگر متمرکز شده است. زیرا در

حالی که ایران حضور آمریکا و کشورهای خارجی را اصلی‌ترین عامل ناامنی تلقی می‌کند، کشورهای عرب منطقه، با انعقاد پیمان‌های متناوب امنیتی با کشورهای خارجی در صدد کسب امنیت برای خود هستند (قاسمی، سرابی، ۱۳۹۳: ۵۳).

۵-۳. عراق

کلیدی‌ترین ویژگی دولت عراق، مسئله حل نشده به عنوان یک اجتماع سیاسی است. موضوعی که بر رفتار عراق در منطقه پیرامون خود اغلب با شیوه‌های متعارض و گاه متناقض تاثیر گذاشته است؛ چرا که هویت تکه تکه و بحث‌برانگیز عراق موجب شده است جنبه‌های چندگانه و روایت‌هایی که در آوردگاه سیاسی این کشور برای کسب برتری با هم رقابت دارند، رویکرد عراق را در قبال منطقه شکل دهند (هینه بوش و احتشامی، ۱۳۹۰: ۳۲۰). هر چند که در سالیان اخیر با توافقات نسبی انجام گرفته در بین گروه‌های مختلف حاکم بر این کشور، رویکرد فعال‌تری را در منطقه در پیش گرفته و علاوه بر تلاش برای حفظ استقلال خود از قدرت‌های منطقه‌ای، به عنوان یک بازیگر بی‌طرف سعی در میانجی‌گری برای حل اختلافات موجود از جمله بحران در روابط ایران و عربستان نموده است.

۵-۴. امارات متحده عربی

امارات متحده عربی به عنوان بازیگری عمل‌گرا و منفعت‌محور با همه طرف‌ها در منطقه در ارتباط بوده و در جستجوی منافع و توسعه تجارت و امنیت، روابط خارجی‌اش را در طیف وسیعی تعریف کرده که از محور مقاومت تا تل‌آویو در آن می‌گنجد. به طور مثال تصمیم و رویکرد امارات در رابطه با عادی سازی مناسبات با اسرائیل، پویا امنیت منطقه را تحت تاثیر و با توجه به اهداف امارات و کشورهای عربی در رابطه با عادی سازی مناسبات، در تقابل با رویکردهای ایران خواهد بود اما از طرف دیگر این کشور در سال ۲۰۲۲ مقامات دیپلماتیک خود را روانه سوریه و ترکیه کرده و همچنین میزبان معاون سیاسی وزیر امور خارجه ایران بوده تا ثابت کند برای دستیابی به جایگاه برتر منطقه‌ای و ارتقای موقعیت خود در خاورمیانه هیچ دشمن دائمی ندارد و حاضر است به هر تغییری تن در دهد (مظاهری، ۱۴۰۰: ۱).

۵-۵. قطر

قطر با استفاده از نقاط قوت و پتانسیل‌های خود به صورت مفید، تنها کشور منطقه است که در سیاست خارجی خود هیچ‌گونه خط قرمز، آرمان و یا تابویی ندارد و با گسترش شبکه روابط و تقویت پیوندها با بازیگران مختلف، ضمن تعریف خود به عنوان کشوری تاثیرگذار بر مسائل منطقه، بقای خود را تضمین می‌کند (درج و التیامی‌نیا، ۱۳۹۷: ۳۰). در این راستا سیاستی را در پیش گرفته تا در هر منازعه‌ای منطقه‌ای درگیر و بعنوان وساطت‌کننده و میانجی‌گر تلقی شود. در

واقع همکاری و ائتلاف‌سازی با قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای، تلاش برای میانجی‌گری در بحران‌ها و منازعه‌های منطقه، توازن و تعادل و ارتباط‌گیری با تمام قدرت‌های منطقه‌ای و تصویرسازی از خود در عرصه بین‌المللی از جمله سیاست‌ها و رفتارهای محوری قطر در سیاست خارجی خود است (جالینوسی، طباطبایی، البرزی، ۱۳۹۴: ۱۰۱-۱۰۰).

۵-۶. عمان

کشور عمان دارای مدل خاصی از سیاست خارجی است که در آن رویکرد از سیاست، نوعی استقلال از دیگر کشورهای عربی و در رأس آن عربستان سعودی نهفته است. سیاستی که با تأسی از ویژگی‌های جغرافیایی خاص، فرهنگی و مذهبی این کشور و بهره‌گیری از مفروضات واقع‌گرایانه، دارای رویکرد بی‌طرفی مثبت و سازنده در جهت کاهش تنش کشورهای عربی و غیرعربی در سطح منطقه‌ای و جهانی است و همواره در راستای صلح در منطقه، دارای نقش ویژه‌ای بوده و مانع از یک زلزله سیاسی در خلیج فارس، میان کشورهای منطقه شده است (سلوکی، ۱۳۹۷: ۵).

۵-۷. بحرین

پادشاهی بحرین که میزبان ناوگان پنجم دریایی آمریکا و دارای ارتباط تنگاتنگ و مجاورت با عربستان سعودی می‌باشد؛ با وجود اکثریت جمعیت شیعیان در این کشور که به ظن حاکمان بحرین رابطه‌ای قوی با ایران دارند و همواره در پی سرنگونی حکومت آل خلیفه در این کشور هستند، حصول اطمینان از اینکه مخاطبان منطقه نسبت به این وضعیت بحرین همدل هستند مهم و بنابراین با چارچوب بندی مبارزه با عنوان بخشی از یک منازعه ژئوپلیتیکی گسترده علیه ایران، به دنبال تقویت این حمایت است. پس شکی وجود ندارد بحرین علاوه بر حفاظت از منافع آمریکا، همواره باید رویکردش در منطقه پایبندی به خطوط قرمز عربستان باشد (Mabon, 2019: 33).

۵-۸. کویت

کویت برقراری رابطه با تمام کشورهای منطقه را در حفظ ثبات خلیج فارس مثبت دانسته و همیشه خود را به عنوان میانجی بحران‌های منطقه معرفی کرده است. رویکرد میانجی‌گرایانه‌ای که کویت با اهداف پلی میان شورای همکاری خلیج فارس و ایران، افزایش حضور و نقش منطقه‌ای و حفاظت از شورای همکاری خلیج فارس انجام داده و می‌کوشد فارغ از اینکه این میانجی‌گری حاصلی را داشته باشد یا نه، کویت را به عنوان یک بازیگر فعال در منطقه مطرح کند. البته باید عنوان کرد رویکرد میانجی‌گری کویت در منطقه تماماً مستقل نیست و در صورتی انجام می‌شود که منافع راهبردی عربستان مورد خدشه قرار نگیرد (اصلائی، ۱۳۹۶: ۶).

۶. موانع فراروی شکل‌گیری نظام امنیت منطقه‌ای خلیج فارس

انگاره‌های متعدد امنیتی و بعضاً تقلیل امنیت به مواردی خاص مانند امور نظامی، علاوه بر واگرایی و عدم اجماع در این زمینه در خلیج فارس، عوامل ناپایدارکننده فراروی امنیت در منطقه را نیز به حاشیه برده که در ادامه به مهمترین این موانع اشاره می‌شود:

۱. خودیاری و عدم وجود استراتژی امنیتی مشترک

گفتمان حاکم در منطقه خلیج فارس همچنان در مطالعات امنیت منفی و در بخش مطالعات سنتی امنیت که در آن تأکید بر جنبه‌های نظامی امنیت می‌شود، قرار دارد. از آنجایی که در گفتمان سنتی امنیت، امنیت ملی به معنای فقدان تهدید نظامی خارجی علیه دولت می‌باشد، در نتیجه قاعده بازی در چنین گفتمانی حاصل جمع صفر خواهد بود، یعنی پیروزی هر واحد سیاسی تنها در گرو شکست طرف مقابلش تعریف می‌شود و امنیت ملی با فقدان تهدید نظامی در خارج از مرزهای ملی معنا و مفهوم پیدا می‌کند (ماندل، ۱۳۹۹: ۴۴). بر این اساس، تلاش کشورهای منطقه خلیج فارس برای تثبیت و دستیابی به امنیت از طریق مقابله و کشمکش صورت خواهد پذیرفت به گونه‌ای که اقدام یک کشور در افزایش امنیت در سطح منطقه از طریق خرید جنگ افزارهای پیشرفته، سایر کشورهای منطقه خلیج فارس را به دلیل عدم احساس امنیت، مجبور به اقداماتی می‌کند. در واقع، امنیت هیچ کشوری افزایش نمی‌یابد و در نهایت باعث می‌شود تا کشورهای منطقه خلیج فارس با وجود توانایی‌های روز افزون نظامی منطقه‌ای خود، احساس امنیت کمتر و یا احساس عدم امنیت نمایند. این در حالی است که مکتب سازه‌نگاری بر خلاف دیدگاه حاکم امنیتی بر منطقه خلیج فارس که بر گرفته از رئالیسم بر مبنای آشوب‌زدگی نظام بین‌الملل و خودیاری است، معتقد است آشوب‌زدگی منطبق از پیش تعیین شده‌ای ندارد، بلکه فهم دولت‌ها از ماهیت آن، تعیین‌کننده معنای آن در نظام بین‌الملل است (گودرزی، نیری، ۱۳۹۴: ۱۴). سیستمی که با مشکلات اساسی مواجه بوده و چالش‌های مختلف مانع از تحقق آن شده است. چرا که ماهیت روابط کشورهای منطقه در چارچوب کلی آن، با تضاد و تفرقه مشخص شده و رابطه تقریبی و تلاش برای اتحاد بین آن قابل مشاهده نبوده است. امری که نتیجه اختلافات فرقه‌ای، قومی و ملی و همچنین ادراکات مختلف امنیتی و فرهنگی و منافع متفاوت بین نظام‌های سیاسی خلیج فارس حاصل شده است (yaffe, 2004: 1)

۲. تعمیق بی‌اعتمادی و کاهش همکاریها

سیاست‌های همراه با بدبینی و عدم اطمینان در منطقه خلیج فارس فضای همگرایی و همکاری را در منطقه مختل کرده است. در این رابطه می‌توان به عدم اعتماد واقعی نسبت به ایران که علت آن هم دیدگاه کشورهای منطقه و ایران نسبت به قدرت‌های خارجی است، اشاره داشت. نقش عوامل بیرونی نیز در افزایش بی‌اعتمادی بین کشورهای منطقه خصوصاً کشورهای عربی و ایران

و به طور خاص گسترش ایران هراسی و شیعه هراسی از سوی قدرت‌های غربی، عامل کلیدی در گسترش تعارضات منطقه‌ای است. بررسی موضع‌گیری‌ها و اقدامات کشورهای عربی خاورمیانه در مورد برنامه‌ی هسته‌ای ایران نشان می‌دهد که کشورهای عربی در فضای «ایران هراسی» که از سوی غرب ساخته شده است، گرفتار شده‌اند. در این راستا وارونه‌نمایی، تهدیدنمایی و حتی قریب‌الوقوع بودن تهدید از سوی ایران در چارچوب پیگیری برنامه‌ی هسته‌ای نسبت به حاکمیت ملی دولت‌های عربی، سبب برخی اقدامات واکنشی بحران‌ساز از سوی آن‌ها شده است. از نظر تحلیلی شواهد حاکی از پذیرش و حتی درونی‌شدن القای خطر تهدید ایران نسبت به حاکمیت اعراب بوده که بیانگر تعمیق بی‌اعتمادی منطقه‌ای است و اقدامات دولت‌های عربی در قالب خرید تسلیحات نظامی، همکاری‌های نظامی با قدرت‌های غربی و در نهایت اقدامات آن‌ها در گسترش تسلیحات غیرمتعارف هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیکی برای مقابله با توهم تهدید ایران، در این زمره‌اند (جوکار، طوسی، ۱۳۸۹: ۱۹۶).

۳. تغییر الگوهای دوستی و دشمنی

بر اساس دید سازه‌انگاری، دوستان، دشمنان، مطلوبیت‌ها و تهدیدها را تعریف کرده و کنش‌ها و سیاست خارجی خود را شکل می‌دهند. در سایه این دسته‌بندی‌ها و براساس هویت‌های دولت‌ها و ملت‌ها، ضعف موجود و ظهور قدرت‌های خارجی، نظام بین‌الملل را قابل تحمل و غیر قابل تحمل می‌یابند و در برخورد با سایر کشورها دوست، دشمن، رقیب یا بی‌طرف تقسیم می‌شوند و کنش‌ها و تعاملات آن‌ها به عنوان تهدید یا دوستانه تلقی خواهد شد. دولت‌ها با این دید در پی تغییر یا حفظ نظم موجود بر می‌آیند و با توجه به علایق و هویت‌های مشترک با کشوری متحد می‌شوند و یا برعلیه کشور دیگری اقدام می‌کنند. بر این اساس کشورهای حوزه خلیج فارس که به شکل تضاد آمیزی یا احیاناً همکاری جویانه در قبال یکدیگر رفتار می‌کنند و یکدیگر را دشمن یا دوست تلقی می‌کنند، برگرفته از کردارهای اجتماعی آنان است که به واسطه آن به تعبیر خود و دیگری می‌پردازند (محسنی، ۱۳۹۹: ۲۷). اختلافات و منازعات هویتی - مذهبی - ساختاری، بی‌اعتمادی در بین کشورهای خلیج فارس و نفوذ قدرت‌های خارجی در منطقه و عادی‌سازی رابطه کشورهای عربی چون امارات و بحرین و احتمالاً دیگر کشورهای عربی (کویت، قطر، عمان، عربستان) برای رسیدن به اهداف توسعه طلبانه خود با کشورهای چون اسرائیل و آمریکا، معادلات امنیتی منطقه را تحت تاثیر خود قرار داده است؛ به طوری که توسعه این عادی‌سازی و تغییر الگوهای دوستی و دشمنی در منطقه، مسلماً امنیت ملی بسیاری از کشورهای مهم منطقه از جمله ایران را مورد تهدید جدی قرار داده و سبب تنش‌ها و مسائل امنیتی جدیدی در منطقه خواهد شد.

۴. فرمول‌ها و نگرش‌های امنیتی متفاوت

دیدگاه‌های متفاوت در خصوص امنیت خلیج فارس باعث طرح‌ریزی فرمول‌های امنیتی متفاوت به اشکال مختلف و گاه متضاد گردیده که در نهایت اقدام‌های انفرادی کشورهای منطقه را به سوی یک واکنش دفاعی فراهم آورده که این اقدام‌های انفرادی باعث سلب امنیت کشورهای همسایه شده است. حال آنکه امنیت خلیج فارس در عمل بر اساس یک نگرش انتزاعی، قابل دستیابی نیست؛ بلکه اقدام دسته‌جمعی کشورهای منطقه است که می‌تواند تنها فرمول امنیتی منطقی برای حصول به امنیت واقعی منطقه باشد (رستگاریور، ۱۳۹۶: ۵۸). بنابراین دیدگاه‌ها و برداشت‌های متعارض و متناقض در خصوص مشکلات و بحران‌های منطقه، بدبینی‌هایی را در خلیج فارس رواج داده و این دیدگاه‌ها را می‌توان به‌طور کلی به سه دسته مجزا تقسیم نمود: الف) کشورهای خواهان تغییرات (ساختار جدید امنیتی و عدم نفوذ کشورهای خارجی) همانند ایران

ب) کشورهای خواهان حفظ وضع موجود (کشورهای عربی منطقه)

ج) کشورهایی با دیدگاه‌های متفاوت (درک نادرست از جامعه و تحولات و ناکامی‌های گذشته و اهداف توسعه طلبانه) همانند عراق

۵. موانع ذهنی و روانی همگرایی و نظام امنیت دسته جمعی

ویژگی‌های ذهنی، روانی و فرهنگ سیاسی منطقه، تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر چگونگی همکاری و رسیدن به سطحی از همگرایی در منطقه خلیج فارس داشته و می‌تواند به عنوان یک متغیر مهم در تحولات منطقه‌ای به حساب آید. به نظر می‌رسد کشورهای منطقه هنوز از نظر ذهنی و روانی آمادگی چندانی برای همگرایی پیدا نکرده‌اند. از دیگر سطوح بررسی این بحث، نقش نخبگان سیاسی منطقه می‌باشد. چرا که عدم آمادگی روانی کشورهای خاورمیانه و به‌طور مشخص خلیج فارس برای همگرایی در درجه اول به ویژگی‌های ذهنی نخبگان سیاسی این منطقه بر می‌گردد. زیرا که ساختارهای سیاسی و اجتماعی اغلب کشورهای منطقه به شدت تحت تأثیر عملکرد رهبران سیاسی بوده و روندهای جاری تحت تأثیر شدید ویژگی‌های رفتاری نخبگان و البت قدرت کشورها قرار دارد. از جمله این موانع ذهنی بی‌اعتنایی به هویت جمعی بوده و هنوز در منطقه خلیج فارس، هویت جمعی معنایی نداشته و به وفور می‌توان برخوردهای درون فرهنگی را در این منطقه مشاهده نمود. چرا که «هویت اسلامی»، «هویت ملی‌گرایی»، «هویت عربی» و ... پاسخ‌هایی است که هر کدام از کشورهای منطقه در تعریف خود به آن‌ها تکیه می‌کنند (رستگاریور، ۱۳۹۶: ۸۰). عواملی که همواره مانع رسیدن به یک درک و همکاری مشترک از جمله در مقوله امنیت بوده و با روند موجود در آینده نیز ادامه خواهد داشت.

۶. چالش‌های زیست محیطی و ژئوپلیتیکی

محیط زیست ناپایدار با چالش‌های جدی از جمله کمبود آب، گرمای طاقت‌فرسا، گرد و غبار و... به یکی از لایه‌های پنهان بحران امنیت در خلیج فارس تبدیل شده و در آینده می‌تواند بیشتر از آنچه اکنون چالش ایجاد کرده، منطقه را با تهدیدات جدی‌تر مواجه کند. چرا که تغییرات اقلیمی در سالیان اخیر به عنوان یکی از موضوعات کلیدی برنامه‌های امنیتی تبدیل شده است؛ به طوری که مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۲۰۰۷ تشدید تلاش‌ها از سوی اعضای این سازمان، برای رسیدگی به پیامدهای امنیتی تغییرات آب‌وهوایی را تصویب کرده است (Kumetat, 2009: 1). موضوعی که برای کشورهای خلیج فارس به دلیل قرار گرفتن در منطقه نیمه‌گرمسیری و فوق‌خشک و از طرفی وابستگی شدید به سوخت‌های فسیلی و نتایج زیان‌بار آن بر محیط‌زیست و تأثیرات شدید و نامطلوب تغییرات اقلیمی حاصل از آن، مورد توجه جدی قرار گرفته است. چرا که علاوه بر تأثیرات اقتصادی مانند کاهش سرمایه‌گذاری بلند مدت، کاهش گردشگران به عنوان یکی از گزینه‌های اقتصادی پسانفتی منطقه و همچنین اجتماعی مانند مهاجرت‌های گسترده، انتظار می‌رود بر اساس پژوهش انجام شده تا سال ۲۱۰۰ منطقه خلیج فارس با افزایش دمای میانگین ۵ درجه و شرایط بسیار خشک‌تر حوزه‌های آبریز به دلیل تغییرات در حجم بارندگی، بهره‌وری کشاورزی حدود ۳۰ تا ۶۰ درصد کاهش یافته و در نتیجه مخاطرات امنیت غذایی حاصل از آن، آشفتگی سیاسی و ناآرامی اجتماعی در منطقه رخ داده و پیش‌بینی‌ها مبنی بر جنگ آینده در منطقه که آبی خواهد بود را بیش از پیش به واقعیت نزدیک کند. علاوه بر این، افزایش سطح آب دریا ناشی از تغییرات اقلیمی برای مناطق کم‌ارتفاع خلیج فارس خطرناک خواهد بود. چراکه بر اساس پیش‌بینی‌ها با افزایش ۸۴ سانتی‌متری سطح آب دریا، علاوه بر تغییرات در رژیم‌های بارشی، منجر به تغییر ماهیت مرزی مورد مناقشه در بخش‌های شمال غربی خلیج فارس که ایران عراق و کویت در آن قرار دارند خواهد شد (Naderi Beni et al, 2021: 14). علاوه بر چالش‌های زیست محیطی، مشکلات ژئوپلیتیکی مانند وابستگی تجاری عراق به خلیج فارس و کمترین خط ساحلی این کشور در منطقه، که توسط ایران با کنترل بر اروندرود و همچنین کویت با کنترل بر جزایر دهانه این رودخانه، به عنوان زیربنای ژئوپلیتیکی اصلی برای درگیری سال ۱۹۸۱ و ۱۹۹۰ بین ایران و عراق و کویت و وضعیت پیش‌بینی شده بدتر از آن چیزی است که قبلاً تصور شده و به عنوان یک منبع درگیری بالقوه در آینده دیده می‌شود. همچنین با توجه به موقعیت استراتژیک غرب آسیا از جمله خلیج فارس در سطح جهانی مسیرهای تجاری مانند نقش مرکزی در پروژه «یک جاده یک کمربند» چین، رقابت برای کنترل بنادر و مسیرهای تجاری اصلی منطقه بین کشورهای شمالی و جنوبی خلیج فارس، به عنوان منبع درگیری عمل کرده و با ترکیب‌شدن با تغییرات پیش‌بینی شده ناشی از چالش‌های زیست محیطی منجر به بی‌ثباتی در منطقه خلیج فارس خواهد شد (Ardemagni, 2018:6).

۷. تثبیت حضور اسرائیل

امنیت به عنوان کالایی خریدنی و مهار ایران به هر قیمتی، منجر به ورود به عرصه‌ای بی‌بازگشت توسط کشورهای عربی یعنی همکاری علنی با اسرائیل و حضور آن در منطقه راهبردی خلیج فارس شده است. وجود دشمنی خطرناکتر از اسرائیل یعنی ایران به زعم اعراب، این کشورها را بر آن داشته به رغم حساسیت این موضوع برای ایران و بلوک مقاومت، علاوه بر پیمان عادی سازی کشورهایمانند امارات و بحرین، با اقداماتی مانند تمرین مشترک نظامی، سرمایه‌گذاری مشترک و همچنین پیمان‌های اقتصادی دوجانبه از جمله مابین اسرائیل و امارات، روابطی آشکار و همه جانبه با اسرائیل داشته باشند (Bahgat & Ferziger, 2006: 6) موضوعی که نشان از پذیرش اسرائیل به عنوان واحدی مشروع منطقه‌ای با قابلیت همکاری بوده و همچنین نشان دهنده ناامنی مضاعف برای تمام کشورهای منطقه می‌باشد؛ چرا که علاوه بر واکنش عناصر مذهبی محافظه‌کار در خود کشورهای عربی، حضور اسرائیل به عنوان دشمن شماره یک ایران، در خلیج فارس به عنوان منطقه‌ای حیاتی از لحاظ اقتصادی و سیاسی، تهدید وجودی تلقی شده و منجر به اقدامات تهاجمی جهت اخراج اسرائیل از منطقه شده و از طرفی حضور اسرائیل و عوامل آن در کشورهای منطقه، منجر به اقداماتی علیه این کشورها از سوی گروه‌های مقاومت برای ناام کردن این ناحیه برای اسرائیل شده و هویج تعارف شده به اسرائیل از سوی اعراب، با چماق گروه‌های مختلف مقاومت و داخلی این کشورها علاوه واکنش ایران خواهد بود.

۸. بحران دموکراسی و اختلافات داخلی (قومی، نژادی و سیاسی)

با وجود چندین بحران ناشی از فقر دموکراسی در منطقه، اما همچنان این مقوله در متن توجه قرار نگرفته و در سایه عدم اشتراک در معنی امنیت که ابعاد مختلفی از جمله رابطه صحیح و غیراقتداری دولت با جامعه که در قالب دموکراسی نمایان می‌شود، و با وجود معروف خاص و عام بودن میراث منسوب به پیامبر «الملک بیقی معی الکفر و لایبقی مع الاظلم» (زاممداری با کفر می‌پاید اما با ظلم نمی‌پاید) در جهان عرب، اما صدای آمریت در میان آنان توسط افراط‌گرایان «خود مرجع اعلام کرده» قبضه شده که مصیبتی عظیم بوده و با وجود حکام نیرومند در منطقه، در آغازین سال‌های قرن بیست و یکم، تقریباً در تمامی کشورهای خلیج فارس شعار رایج «الشعب یرید اسقاط النظام» (مردم سقوط نظام را می‌خواهند) با کمیت و کیفیت‌های مختلف، نظام سنتی حاکم بر منطقه را با چالش جدی مواجه کرد (رجایی، ۱۳۹۹: ۲۳۰-۲۰۹). با توجه به سیاست‌های اتخاذ شده از سوی حکام منطقه و عدم تلاش برای حل ریشه‌ای این اعتراضات، همچنان لایه‌های پنهانی ناآرامی‌ها روشن بوده و به عقیده نگارندگان آتشفشان نیمه فعال خیزش مردمی، هر آن قابلیت فعال شدن را داشته و ساقه‌های انقلاب، گرچه از روی زمین قطع شده است، اما ریشه‌های آن همچنان آماده رویش هستند. از طرف دیگر ساختار ناهمگون کشورهای منطقه در نتیجه دخالت تاریخی قدرت‌های استعمارگر در ایجاد کشورهای مصنوعی و چند پاره در خلیج فارس،

موجب شده است تا علاوه بر شکل نگرفتن ساختار یکپارچه (قومی، نژادی و سیاسی)، با به قدرت رسیدن گروهی خاص، دیگر اقشار جامعه، به دلیل نابرابری در برخورداری از امکانات دولتی و عمومی، باعث از بین رفتن مشروعیت و در نتیجه کنترلش بر بخش‌هایی از سرزمین شده و ظهور هویت‌های قومی و مذهبی را به عنوان جانشین دولت موجب گردد (سگوک، شولز و سواين، ۱۴۰۰: ۴۷۷). تعارضات دیدگاهی که موجب ظهور گروه‌هایی مانند داعش به عنوان یکی از عوامل ناامنی حال و آینده منطقه شده و با ترکیب‌شدن با بحران دموکراسی، به یکی از موانع قوی امنیت پایدار در خلیج فارس تبدیل خواهد شد.

۹. اقتصادهای همسان و شکننده

اقتصاد از جنبه‌های مختلف مانند همسان‌بودن، تک بعدی بودن، شکننده بودن و ... به عنوان یکی از پاشنه آشیل‌های ناامنی در خلیج فارس خواهد بود. همسان‌بودن اقتصادی که ناشی از متکی بودن همگانی بر درآمد حاصل از فروش نفت و گاز است، موجب شده است که این کشورها یکدیگر را رقیب خود در کسب و حفظ بازارهای مصرف انرژی در نظر بگیرند و سیاست‌های صادراتی خود را علیه یکدیگر تنظیم کنند. برای نمونه در سال‌های اخیر ایران همواره طرفدار کاهش تولید و افزایش قیمت و بر عکس عربستان افزایش تولید و کاهش قیمت را در دستور کار قرار داده است (ایمانی، ۱۳۹۹: ۱۰۴). علاوه بر این اقتصاد تک بعدی که عمدتاً با نفت تشکیل شده است و شکنندگی ناشی از آن، در پرتو تغییرات در اولویت‌های انرژی از سوخت‌های فسیلی و تجدیدنپذیر به انرژی‌های تجدیدپذیر در سطح جهانی اتفاق افتاده است، فشارهای مالی را در تمام اقتصادهای خلیج فارس تشدید کرده و با توجه به سیاست‌های حامی-پیرو در نتیجه بهره‌مندی از دلارهای نفتی در منطقه، پشتوانه ثبات اجتماعی و سیاسی را در این کشورها با خطر مواجه کرده است (Olrichsen, 2017: 5) موضوعی که با توجه به نرخ بالای رشد جمعیت در سالیان اخیر در منطقه و در نتیجه جمعیت جوان و جویای کار در آینده، امنیت فراروی را با چالش جدی که همان خطر انقلاب گرسنگان است، مواجه خواهد کرد.

۱۰. اختلافات مذهبی و ناهمگونی‌های فرهنگی و اجتماعی

فاکتورهای هویتی و فرهنگی به عنوان یکی از مهمترین ابعاد نظریه سازه‌انگاری، در شکل‌گیری منافع و کنش‌ها نقش دارند. خلیج فارس به رغم تحولات سالیان اخیر در منطقه از جمله بهار عربی و جابجایی حکومت‌ها، اما همچنان استفاده از تعبیری همچون رافضی، مجوسی و یا عجمی به تفاوت‌ها و اختلاف‌های منطقه‌ای، لباس مذهبی و طایفه‌ای پوشانده و رقابت سیاسی موجب تحریک، تعمیق و گسترش خصومت مذهبی شده است (مسجد جامعی، ۱۳۹۷: ۳۵). موضوعی که بیشتر از سوی کشورهای عربی به سرکردگی عربستان به تمام اتفاقات منطقه رنگ و بوی مذهبی و عقیدتی داده و با این عنوان که ایران و گروه‌های همپیمان منطقه‌ای در پی یک

هژمونی شیعی بوده، همواره علاوه بر تهاجمی شدن اقدامات در سالیان اخیر نسبت به کشورهای به اصطلاح مقاومت، شیعیان را در کشورهای خود مورد شدیدترین کنترل‌ها قرار داده اند. کنار گذاشتن شیعیان از مشاغل حساس حکومتی و بازرگانی حتی با وجود در اکثریت بودن در بعضی از کشورهای خلیج فارس و قراردادن آن در زیر ذره بین بدگمانی، در واقع آنان را از جوامع خود بیگانه‌تر کرده و این بدگمانی نسبت به وفاداری شیعیان یکی از دلایل عمده نارضایتی آنان در آینده و ناامنی بیشتر منطقه خواهد بود (فولر، ۱۳۹۹: ۱۱۰). در بین کشورهای حوزه خلیج فارس به واسطه فقدان عنصر تساهل مذهبی و پر رنگ بودن تفکرات ایدئولوژیک و قومیتی متعارض، تهدیدی اساسی برای امنیت منطقه‌ای شده است که نشانه‌های آن را می‌توان در ظهور گروه‌های تکفیری همانند داعش و جبهه النصره دید. بنابراین این منطقه شاهد منازعات ایدئولوژیکی و چند شکافی راهبردی در منازعات منطقه‌ای شده است که از مهم‌ترین آنها می‌توان به الگوی تخاصمی و رقابتی در یمن / عربستان و نیز الگوی رقابت راهبردی بین ایران و عربستان بر سر رهبری جهان اسلام اشاره کرد (صادقی اول، قاسمی، پور جم، ۱۳۹۵: ۱۲۶). از طرفی دیگر درآمدهای بالای نفتی کشورهای منطقه و گسیل نیروی کار خارجی در این کشورها، سبب ناهمگونی‌های فرهنگی و اجتماعی و در نتیجه منجر به نارضایتی اجتماعی در جوامع آن‌ها شده است (فرجی راد، هاشمی، ۱۳۹۶: ۲۹۰).

۱۱. زوال هژمونی سنتی و تعدد قطبیت

نگاه‌های مختلف امنیتی در پرتو دیدگاه سازه‌انگارانه در خلیج فارس از جمله امنیت به عنوان کالایی وارداتی در مقابل امنیت خودساخته توسط خود کشورهای منطقه، خلیج فارس به عنوان یکی از مناطق راهبردی و ژئواکونومیکی جهان را همواره توسط قدرت‌های جهانی مورد توجه قرار داده و در این راستا بعد از حضور طولانی مدت بریتانیا در منطقه و متعاقب آن فروپاشی شوروی و شکل‌گیری جهان تک‌قطبی، آمریکا به عنوان حافظ امنیت ساختار نظام بین‌الملل، نسبت به تثبیت حضور خود در منطقه اقدام کرده است. رویکرد حضور نظامی دائمی در آب‌های خلیج فارس که به یکی از اجزای کلیدی استراتژی نظامی آمریکا در طول سالیان گذشته تبدیل شده و این حضور نظامی همراه با تقویت راه‌های انتقال امن انرژی از منطقه ناشی از آن، نکته کلیدی مورد تأکید رهبران نظامی و سیاسی ایالات متحده باقی مانده است (Craigjones, 2017: 424). سیاستی که همواره مورد تأکید مقامات ایالات متحده قرار گرفته است که می‌توان به سخنان کارتر در این زمینه اشاره کرد که می‌گوید؛ تلاش هر نیروی خارجی برای به دست آوردن کنترل منطقه خلیج فارس، به عنوان تجاوز علیه منافع حیاتی آمریکا تلقی شده و چنین اقدامی به هر وسیله حتی نیروی نظامی پاسخ داده می‌شود. موضوعی که با وجود کاهش اتکای ایالات متحده به نفت خام وارداتی از منطقه، امنیت آن همچنان در کنترل آمریکا بوده و علاقه پایدار به حفظ ثبات سیاسی و تأمین جریان نفت در خلیج فارس دارد (Callins & Krane, 2017: 2) با

این وجود در سالیان اخیر سایر قدرت‌های جهانی مانند چین و روسیه نفوذ خود را در خلیج فارس افزایش داده و به اتخاذ سیاست‌ها و برنامه‌های مستقل از ایالات متحده اقدام کرده‌اند. موضوعی که با توجه به تعارض و اصطکاک منافع هر کدام از طرفین و رقابت مخرب ناشی از آن، منطقه را همچنان در چالش امنیتی قرار خواهد داد.

۱۲. تداوم در مسابقه تسلیحاتی

کشورهای منطقه به دلیل تعارض منافع و دیدگاه‌های متفاوت امنیتی در سایه هراس از افزایش قدرت رقیب و همچنین حفظ حکومت‌های اقتداری و لرزان خود، همواره دیده و ذهنیتی نظامی به امنیت داشته و این ذهنیت نظامی از امنیت، موجب شده است با وجود قیمت پایین نفت در سالیان اخیر، یک روند صعودی آشکار در هزینه‌های دفاعی قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای در خلیج فارس مشاهده شود. به طوری که با میانگین سهم ۵/۵ درصد در مقابل ۲/۲ درصد جهانی در بخش هزینه‌های نظامی از تولید ناخالص داخلی و همچنین تغییرات کیفی در این رویکرد با ورود انواع جدیدی از سیستم‌های تسلیحاتی پیشرفته بویژه هواپیماهای با قابلیت تهاجمی و همچنین برنامه‌های موشکی متعدد، به عنوان راهی برای خرید درجه‌ای از حفاظت و تعهد نسبی آنها به امنیت در نظر گرفته می‌شود (Dokos, 2019: 1) در کنار خرید تسلیحاتی، گمانه‌زنی‌های زیادی مبنی بر اینکه در واکنش به برنامه هسته‌ای ایران، کشورهای دیگر احساس می‌کنند باید قدرت تهران را متعادل کنند و خاورمیانه به سمت رقابت هسته‌ای کشیده خواهد شد، وجود دارد. به عنوان نمونه گزارش‌های زیادی مبنی بر اینکه عربستان حداقل مسیر نظامی را با همکاری کشورهایی مانند پاکستان مورد بررسی قرار داده است، وجود دارد (Landau & Kurz, 2012: 73) در کنار عربستان، امارات متحده عربی نیز در سال‌های اخیر اقدام به ایجاد تأسیسات هسته‌ای نموده است. موضوعی که انبار باروت موجود در خلیج فارس را با وجود سلاح‌های متعارف و غیرمتعارف کنونی انفجاری‌تر خواهد کرد و از موانع قابل تأمل فراروی امنیت پایدار در منطقه خواهد بود.

۷- نتیجه‌گیری و پیشنهادات

با بررسی دیدگاه‌های هر یک از بازیگران منطقه، مشخص می‌شود کشورهای حوزه خلیج فارس برای رسیدن به یک تفاهم همه‌جانبه امنیتی، با توجه به منافع و برداشت خود از امنیت منطقه و نبود اعتماد جمعی و در نتیجه نقاط افتراقی بیشتر نسبت به اشتراکات دیدگاهی، از مشکلات متعددی رنج می‌برند. موضوعی که بیشتر از دیدگاه نظریه سازه‌انگاری قابل بررسی بوده؛ چرا که نظریه مذکور با توجه به تاکید بر نقش محوری انگاره‌ها، ساخت بین‌الذهانی واقعیت و مرتبه برجسته هویت به تبیین هر چه بیشتر عوامل عدم تشکیل امنیت پایدار در منطقه کمک می‌کند. در این راستا، وجود انگاره‌های متعدد در کنار هویت‌های گوناگون در بین

کشورهای منطقه، باعث شده است که نتوان شاهد همکاری و همگرایی بین آنها در راستای یک نظام امنیتی مشترک بوده و توقف تاریخ و عدم حل اختلافات، تداوم جنگ سرد، گردش بحران، غلبه ایدئولوژی بر عملگرایی و... به عنوان مشخصات بارز خلیج فارس را نظاره‌گر باشیم. به طوری که ایران، امنیت پایدار را منوط به تغییر رفتار اعراب منطقه در بکارگیری قدرت‌های فرا منطقه‌ای و برقراری امنیت مستقل از آنان و همچنین اعراب، معتقد به امنیت زیر چتر حمایتی قدرت‌های موازنه‌گر خارجی هستند. تفاوت دیدگاهی که طی سالیان طولانی این منطقه را با خلأ یک رژیم امنیت پایدار مواجه کرده است. موضوعی که دال بر صحیح بودن فرضیه ارایه شده پژوهش بوده و علاوه بر توضیح دقیق عدم شکل‌گیری یک رژیم امنیتی باثبات در منطقه، موجب عدم توجه به موانع امنیتی متعدد این نقطه مانند تغییر الگوهای دوستی و دشمنی، کاهش همکاری‌ها و تعمیق بی‌اعتمادی، تغییرات اقلیمی به عنوان یکی از چالش‌های جدی امنیت منطقه، اقتصاد شکننده، فقر دموکراسی و مشکلات داخلی کشورها، اختلافات قومی و مذهبی، تغییر قطبیت سنتی منطقه و همچنین صلح اعراب و اسرائیل و در نتیجه حضور گسترده‌تر این بازیگر نامتناجس در خلیج فارس شده است. از نظر نگارندگان با توجه به آنچه عنوان شد، منابع غنی این نقطه مخصوصاً نفت که با پیدایش آن در خلیج فارس، معادلات امنیتی منطقه را پیچیده‌تر کرده و ورود قدرت‌های فرامنطقه‌ای را به حوزه خلیج فارس موجب گشته، و همچنین وضعیت اکثر کشورهای منطقه با توجه به جدید التاسیس بودن و عدم شکل‌گیری ساختار کامل به عنوان یک کشور مستقل، حضور و دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای اجتناب‌ناپذیر بوده، همچنین جایگاه برتر نفت به عنوان مهمترین منبع انرژی جهانی در گذشته، اما با گذشت زمان و تثبیت قدرت و موقعیت اکثریت کشورهای خلیج فارس و در نتیجه توان تصمیم‌گیری مستقل و به دور از دخالت قدرت‌های بیگانه و از طرفی با کاهش تدریجی جایگاه نفت در معادلات جهانی و در پی آن از دست رفتن جایگاه و موقعیت راهبردی خلیج فارس برای قدرت‌های فرامنطقه‌ای که نمونه بارز آن خروج تدریجی ایالات متحده از منطقه به عنوان مهمترین بازوی برقرارکننده امنیت کشورهای حوزه خلیج فارس و همچنین تغییر نقش از بازیگر ناهمگن امنیتی برخی از کشورها مانند عراق به میانجی‌گر منطقه‌ای در کنار کشورهایمانند عمان و کویت و اخیراً قطر، خلیج فارس علی‌رغم برداشت‌های متعدد از امنیت، قابلیت رسیدن به یک رژیم امنیتی پایدار در خلیج فارس دور از دسترس نخواهد بود. در این راستا و همچنین تقویت بیشتر رژیم امنیتی، نگارندگان پیشنهادات ارائه شده را در جهت رسیدن به یک رژیم پایدار و امنیت منطقه‌ای در خلیج فارس مفید و کارساز می‌دانند.

۱. ایجاد یک سیستم امنیتی بهم پیوسته متشکل از موازنه قوا، اصلاح ساختارهای دفاعی منطقه و چند جانبه‌گرا.

۲. سرمایه‌گذاری همگانی و مشترک برای آموزش مردم در جهت مبارزه با تغییرات اقلیمی (مانند اصلاح روند فعلی کشاورزی عمدتاً آب‌بر).
۳. زدودن ذهنیت منفی تاریخی کشورهای منطقه نسبت به یکدیگر با استفاده از ابزارهایی مانند رسانه‌ها و پروژه‌های سینمایی مشترک.
۴. شناخت فرصت‌ها و تهدیدات و کاهش تنش‌های موجود در میان کشورهای منطقه.
۵. رسیدن به یک درک و برداشت مشترک از مسائل منطقه و عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر.
۶. تقویت و برقراری روابط گسترده اقتصادی به عنوان یک عامل پایه در رسیدن به توافق و همکاری در سایر سطوح.
۷. ایجاد نهادهای مشترک و انعقاد معاهده‌های مشارکت‌جویانه و همکاری‌جویانه در منطقه و تقویت و توسعه این همکاری.

کتابنامه

- ابوالحسن شیرازی، حبیب‌الله و آخوند مهریزی، مسعود (۱۳۸۶). جایگاه منابع انرژی در امنیت خلیج فارس و امنیت آمریکا با توجه به الگوی امنیت مشارکتی، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، ۴(۷): ۱۷۰-۲۱۱.
- اسدی، علی‌اکبر (۱۳۹۶). سیاست خارجی عربستان سعودی: منابع، اهداف و مسائل، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۲۰(۷۵): ۱۰۷-۱۳۲.
- اصلانی، عماد (۱۳۹۶). «کویت و میانجی‌گری در مسائل منطقه‌ای»، برگرفته شده از: <http://farsnews.ir>.
- اقارب‌پرست، محمدرضا (۱۳۹۰). ترتیبات امنیت جمعی: الگویی نو برای ایجاد امنیت در خلیج فارس، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌الملل، ۳(۹): ۲۶۷-۲۷۴.
- الهی، همایون (۱۳۹۳). خلیج فارس و مسائل آن، تهران: نشر قومس.
- ایمانی، همت (۱۳۹۹). امکان سنجی همگرایی اقتصادی در منطقه در آینده پیش‌رو خلیج فارس و الزامات تحقق آن (ارائه مدل همگرایی شبکه‌ای به جای مدل سلسله‌مراتبی)، فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی، ۴(۱): ۹۳-۱۳۵.
- ابراهیمی‌فر، طاهره (۱۳۷۸). بررسی علل واگرایی در منطقه خلیج فارس، سیاست خارجی، ۱۳(۲): ۳۷۹-۳۹۶.
- جاگرسگوک، اندرس؛ شولز، مایکل و سواين، آشوک (۱۴۰۰). امنیت در خاورمیانه، ترجمه علی آدمی و مبین کرباسی، تهران: انتشارات ابرار معاصر.

جالینوسی، احمد؛ طباطبایی، یگانه و سادات البرزی، یگانه (۱۳۹۴). نقش آفرینی قطر در منطقه خلیج فارس با توجه به مناقشات اخیر خاورمیانه، *مطالعات بیداری اسلامی*، دوره ۴(۸): ۹۲-۱۲۶.

جوکار، محمد صادق و طوسی، مهدی (۱۳۸۹). تحلیل تئوریک فرهنگ‌های حاکم بر روابط ایران و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، *فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا*، (۵): ۱۷۱-۲۰۲.

داودی، علی اصغر (۱۳۹۱). امنیت از نگاه مکتب سازه‌انگاری، *فصلنامه مطالعات سیاسی*، ۴(۱۳): ۲۹-۵۰.

درج، حمید و التیامی‌نیا، رضا (۱۳۹۷). تحلیل دیپلماسی قطر در قبال بحران سوریه با تأکید بر روابط سیاسی قطر و عربستان سعودی، *مطالعات سیاسی جهان اسلام*، ۷(۳): ۲۳-۵۴. رجایی، فرهنگ (۱۳۹۹). *اندیشه سیاسی در جهان عرب از «بهار خلافت» تا «بهار عربی»*، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

رستمی، فرزاد؛ ایومن، محمد صالح و کرمان‌هایلی، کرم رضا (۱۳۹۵). نظام امنیت منطقه‌ای در خلیج فارس و تأثیر آن بر امنیت ملی عراق پس‌اصدام، *فصلنامه راهبرد*، ۲۵(۷۸): ۱۹۱-۲۲۰. رستگارپور، عبدالرضا (۱۳۹۶). تبیین مهم‌ترین عوامل بازدارنده‌ی شکل‌گیری یک سازمان منطقه‌ای پویا در خلیج فارس، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، موسسه آموزش عالی فرهنگ، لاریجان.

سلوکی، وحید (۱۳۹۷). «نقش کلیدی عمان در منطقه»، برگرفته شده از: http://peace_ipsc.org
سهیلی نجف‌آبادی، سهیل؛ کشیشیان سیرکی، گارینه؛ قایدی، محمدرضا و سیمبر، رضا (۱۳۹۸). بررسی تأثیر سیاست‌های نظامی بر امنیت منطقه‌ای خلیج فارس، *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، ۱۶(۱): ۱۵۵-۱۸۲.

عباسی اشلقی، مجید (۱۳۸۳). تحلیل امنیت در پارادایم‌های حاکم بر روابط بین‌الملل، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۷(۳): ۵۲۵-۵۴۹.

عباسی اشلقی، مجید و فرخی، مرتضی (۱۳۸۸). چارچوبی تحلیلی برای مفهوم امنیت از منظر سازه‌انگاری، *فصلنامه مطالعات سیاسی*؛ ۲(۶): ۷۱-۹۶.

عسکری حصن، شهرام؛ انوشه، ابراهیم و عمرانی، نیلوفر السادات (۱۳۹۶). مفهوم امنیت از منظر تئوری (رنالیسم، لیبرالیسم، سازه‌انگاری، انتقادی)، *سپهر سیاست*، ۴(۱۱): ۸۱-۱۰۳. فولر، گراهام (۱۳۹۹). *ژئوپلیتیک ایران*، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.

مسجد جامعی، محمد (۱۳۹۷). *ایران و ژئوپلیتیک منطقه*، تهران: انتشارات اطلاعات. مظاهری، محمد مهدی (۱۴۰۰). «چه شد امارات ناگهان تغییر کرد؟»، برگرفته شده از:

<http://www.irdiplomacy.ir/fa/news>

- ماندل، رابرت (۱۳۹۹)، *چهره متغیر امنیت ملی*، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- محسنی، وحید (۱۳۹۹). علل واگرایی ایران و شورای همکاری خلیج فارس بر اساس نظریه سازه‌انگاری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه آیت‌الله العظمی بروجردی (ره).
- هاشمی، فاطمه (۱۳۸۹). امنیت پایدار در خلیج فارس: موانع و سازوکارها، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، (۱): ۱۳۶-۱۶۷.
- هینه بوش، ریموند و احتشامی، انوشیروان (۱۳۹۰). *سیاست خارجی کشورهای خاورمیانه*، ترجمه رحمن قهرمان‌پور و مرتضی مساح، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

References

- Abbasi Ashlaghi, Majid (2004), Security Analysis in the Paradigms Governing International Relations, *Strategic Studies Quarterly*, 7(3): 525-549.(In Persian).
- Askari Hassan, Shahram; Anousheh, Ibrahim; Omrani, Niloufar Sadat (1396), The concept of security from a theoretical perspective (realism, liberalism, constructivism, criticism), *Sepehr Siyasat*, fourth year, number eleven. Pages: 81-103.)In Persian).
- Abbasi Ashlaghi, Majid; Farokhi, Morteza (2009), An Analytical Framework for the Concept of Security from a Constructivist Perspective, *Quarterly Journal of Political Studies*; Second year, number 6.(In Persian).
- Abolhassan Shirazi, Habibollah; Akhund Mehrizi, Massoud (2007), The Position of Energy Resources in Persian Gulf Security and US Security According to the Partnership Security Model, *Specialized Quarterly Journal of Political Science* Volume 4, Number 7. Pages: 211-170.(In Persian).
- Asadi, Ali Akbar (2017), Saudi Arabia's Foreign Policy: Resources, Objectives and Issues, *Quarterly Journal of Strategic Studies*, Volume 20, Number 75. Pages: 107-132.(In Persian).
- Aslani, Emad (2017), "Kuwait and Mediation in Regional Issues", taken from: <http://farsnewas.ir>.(In Persian).
- Aqarabparast, Mohammad Reza (2011), Collective Security Arrangements: A New Model for Security in the Persian Gulf, *Quarterly Journal of Political and International Research*, Volume 3, Number 9, pp. 267-274.(In Persian).
- Ardemagni, Eleonora (2018). *Gulf Persian Powers: Maritime Rivalry in the Western Indian Ocean*, Istituto Per Glistud Di Politica Internazionale (ISPI), Analysis No. 321, April 2018.
- Andersen, Lars and Jiang, Yang (2014). Is China challenging the US in the Persian Gulf? Oil, security, and politics, *Danish Institute for International Studies (DIIS)*, No. 2014:29.

- Barzegar, kayhan (2010). Balance of Power in the Persian Gulf: An Iranian View. Middle east Policy, Vol. XVii, No.3.
- Convergence Model instead of a Hierarchical Model), Quarterly Journal of International Organizations, Fourth Year, No. 1, pp: 135 -93.(In Persian).
- Collins, Gabriel and Krane, Jim (2017). Carter Doctrine 3.0: Evolving U.S. Military Guarantees for Gulf Oil Security, Policy Brief, no. 04.27.17.
- Craig Jones, Toby (2017). After the Pipelines: Energy and the Flow of War in the Persian Gulf, South Atlantic Quarterly 116 (2), 417-425.
- Chapman, Duane and Khanna, Neha (2004). The Persian Gulf, Global Oil Resources, and International Security Department of Applied Economics and Management Cornell University, Ithaca, New York 14853-7801 USA.
- Davoodi, Ali Asghar (2012), Security from the Perspective of the School of Constructivism, Quarterly Journal of Political Studies, Fourth Year, No. 13, pp. 50-29.(In Persian).
- Dokos, Thanos (2019). Defence Expenditures in the Eastern Mediterranean and the Gulf Region: The Impact on Regional Security, IEMed: Mediterranean yearbook, 236-239.
- Darj, Hamid, Al-Tiaminia, Reza (1397), Analysis of Qatari diplomacy in response to the Syrian crisis with emphasis on the political relations between Qatar and Saudi Arabia, Political Studies of the Islamic World, Volume 7, Number 3, pp. 54-23.(In Persian).
- Ebrahimifar, Tahereh (1999), A Study of the Causes of Divergence in the Persian Gulf Region, Foreign Policy, Year 13, No. 2. Pages: 379-396 (In Persian).
- Elahi, Homayoun (2014), Persian Gulf and its issues, Tehran: Qoms Publishing. (In Persian).
- Ferziger, Jonathan and Bahgat, Gawdat (2020). Israel's Growing Ties with the Gulf Arab States, atlanticcouncil.org.
- Fuller, Graham (2020), Geopolitics of Iran, translated by Abbas Mokhber, Tehran: Markaz Publishing.(In Persian).
- Galenusi, Ahmad, Tabatabai, Yeganeh Sadat; Alborzi, Yeganeh (2015), The Role of Qatar in the Persian Gulf Region Due to Recent Conflicts in the Middle East, Islamic Awakening Studies, Volume 4, Number 8, pp. 126-92.(In Persian).
- Hashemi, Fatemeh (2010), Sustainable Security in the Persian Gulf: Obstacles and Mechanisms, Geopolitical Quarterly - Year 7, Issue 1, pp. 167-136.(In Persian).
- Heineh Bush, Raymond and Ehteshami, Anoushirvan (2011), Foreign Policy of the Middle East, translated by Rahman Ghahramanpour and Morteza Massah, Tehran: Imam Sadegh University Press.(In Persian).
- Imani, Hemmat (2020), Feasibility Study of Economic Convergence in the Region in the Future of the Persian Gulf and the Requirements for Its Realization (Presenting a Network Convergence Model instead of a Hierarchical Model), Quarterly Journal of International Organizations, Fourth Year, No. 1, pp: 135 -93.(In Persian).

- Jokar, Mohammad Sadegh, Tusi, Mehdi (2010), Theoretical Analysis of Cultures Governing the Relations between Iran and the GCC Countries, Quarterly Journal of Political and International Research, Islamic Azad University, Shahreza Branch, No. 5, pp. 202-171.(In Persian).
- Jamei Mosque, Mohammad (2015), Iran and the Geopolitics of the Region, Tehran: Information Publications.(In Persian).
- Jaggersgock, Anders, Scholes, Michael and Swain, Ashok (1400), Security in the Middle East, translated by Ali Adami and Mobin Karbasi, Tehran: Abrar Contemporary Publications.(In Persian).
- Kumetat, Dennis (2009). Climate change in the Persian Gulf–regional security, sustainability strategies and research needs, international conference “Climate Change, Social Stress and Violent Conflict” in Hamburg (Germany) on 19, 20.
- Le Billon, Philippe and El Khatib, Fouad (2010). From Free Oil to ‘Freedom Oil’? Terrorism, War and US Geopolitics in the Persian Gulf, Geopolitics journal, No 9 (1): 109-137.
- Landau, Emily and Kurz, Anat (2012). Arms Control Dilemmas: Focus on the Middle East, Institute for National Security Studies, <http://www.inss.org.il>.
- Mabon, Simon (2019). The End of the Battle for Bahrain and the Securitization of Bahraini Shi‘a, MIDDLE EAST JOURNAL VOLUME 73, NO. 1, [HTTPS://DOI.ORG/10.3751/73.1.12](https://doi.org/10.3751/73.1.12)
- Michel D. Yaffe (2004). The Gulf and a New Middle East Security System, Middle East Policy Council, Volume XI, Fall 2004, Number 3, p1.
- Mirhosseini, Mohsen and Kaur Sandhu (2010). The Role of Iran Regarding the U.S. Security Systems in the Persian Gulf Region, CROSS-CULTURAL COMMUNICATION, Vol. 6, No. 4, 2010, pp: 121-134.
- Mazaheri, Mohammad Mehdi (1400), "Why did the UAE suddenly change?", Taken from: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/>.(In Persian).
- Mandel, Robert (1998), The Changing Face of National Security, Translation: Research Institute for Strategic Studies, Tehran, Research Institute for Strategic Studies.(In Persian).
- Mohseni, Vahid (2020), Causes of divergence between Iran and the Persian Gulf Cooperation Council based on constructivist theory, Master Thesis in Political Science, Grand Ayatollah Boroujerdi University.(In Persian).
- Naderi Beni, Abdolmajid, Marriner, Nick, Sharifi, Arash, Azizpour, Jafar, Kabiri, Keivan, Djamali, Morteza, Kirman, Alan (2021). Climate change: A driver of future conflicts in the Persian Gulf Region? Heliyon 7 (2), e06288, journal homepage: www.cell.com/heliyon.
- Pollack, Kenneth (2012). Security in the Persian Gulf: New Frameworks for the Twenty-first Century, <https://www.brookings.edu>.
- Potter, Lawrence (2017). Society in the Persian Gulf: Before and After Oil, CIRS Occasional Papers, No. 18.

- Rajaei, Farhang (2020), Political Thought in the Arab World from the Spring of the Caliphate" to the "Arab Spring", Tehran: Ministry of Foreign Affairs Publications.(In Persian).
- Rostami, Farzad; Ayman, Mohammad Saleh; Karmian Habili, Karam Reza (2016), The Regional Security System in the Persian Gulf and Its Impact on the National Security of Post-Injured Iraq, Strategy Quarterly, No. 78 / Year 25. Pages: 191-220.(In Persian).
- Rastegarpour, Abdolreza (2017), Explaining the most important factors preventing the formation of a dynamic regional organization in the Persian Gulf, Master Thesis in Political Geography, Farahmand Institute of Higher Education, Larijan.(In Persian).
- Ryan Kraig, Michael (2006). Forging a New Security Order for the Persian Gulf, Middle East Policy 13 (1), 84.
- Rashed, Ahmed and Koskun (2022). EXCLUSIVE Iran struck Iraq target over gas talks involving Israel - officials, <https://www.reuters.com>.
- Soheili Najafabadi, Soheil, Priests of the Circus, Garineh, Ghaedi, Mohammad Reza and Simber, Reza (2019), A Study of the Impact of Military Policies on the Security of the Persian Gulf Regions, Quarterly Journal of International Studies, Volume 16, Number 1, Number 61, Pages 182-155 .(In Persian).
- Selouki, Vahid (2018), "The key role of Oman in the region", taken from: http://peace_ipsc.org(In Persian).
- Ulrichsen, Kristian (2017). The Changing Security Dynamics of the Persian Gulf, Published in Collaboration with Center for International and Regional Studies, Georgetown University–Qatar, www.hurstpublishers.com.
- Wehrey, Frederic and Sokolsky, Richard (2015). IMAGINING A NEW SECURITY ORDER IN THE PERSIAN GULF, carnegieendowment.org.